

وقتی کریس بعنوان آخرین نفر در ماشین بست به الپرن حرف اومد

الپرن : قاتل جک جو !

دیلان با چشمای گرد نگاهش کرد : چی ؟

کریس متحیر سرش تگون داد : نه

الپرن نیشخندی زد : میخواین باور کنید یا نکنید ! من میگم قاتل جک جو عه

به پنجره ای خیره شد که مطمئن بود جک جو پشتش وایستاده

دیلان : قاتل چه ربطی به جک جو داره ؟! چون فقط نامزد -

الپرن کلافه چرخید و توی صورت دیلان خم شد

الپرن : سادیسیم داره ، عصبی ، با نامزدش حال نمیکرده ! وقت بهش گفتم که

عکس کجاست نگفت جمع کردم گفت انداختم دور و هزارتا دلیل دیگه میتونم

برات بیارم که جک جو قاتل!

دیلان : قبول ندارم !

الپرن نیشخند زد : اختیار مغزت با خودته !

و با روشن کردن ماشین و فشار دادن پاش روی پدال گاز با سرعت از خونه

جک جو فاصله گرفت

پرونده رو روی میز انداخت که صداس باعث شد همه ی افراد تو اتاق از جمله

الپرن بهش خیره بشن

دیلان : هیچ سابقه ای نداره ! تموم جریمه هاش به موقع پرداخت کرده

کریس : چرا قبض برکش هنوز پرداخت نشده بود پس ؟!

الپرن سمت میز رفت : چون دیگه احتیاجی نمیدیده !

رابرت چشماش ریز کرد : چی فکر میکنی الپرن !

الپرن در حالی که به میز تکیه میداد به عکسِ جک جو روی تخته بُرد اشاره کرد

الپرن : قاتلی که دنبالشیم جک جو عه درست کنارِ گوشمون !

دیلان : منم گفتم قاتل جک جو نیست ! دلایلت مسخرست !

الپرن : منم حاضر نیستم بخاطرِ دلایلِ مسخره ی تو و این چرت و پرتا از حرفم برگردم

رابرت نگاهش روی شاگردِ قدیمیش چرخوند

به توانایی اون پسر شکی نداشت و میدونست الپرن به راحتی نا امیدش نمیکند

رابرت : چرا جک جو ؟

الپرن نگاهش کرد : یکی از دلایلس همین که افسر دیلان لطف کرد و گفت، پرداختِ بموقعِ جریمه هاش!

نگاهشُ به دیلان که نیشخند میزد داد

الپرن : افسر جان اونطوری به من نگاه نکن

بیشتر به دیلان نزدیک شد

الپرن : هیچ ادم معمولی ای نیست که بیار دیر پرداخت نکرده باشه جریمش رو

با انگشت روی قفسه ی سینه دیلان زد

الپرن : حتی خودِ تو افسر !

نگاهشُ از صورتِ خشکِ دیلان گرفت

الپرن : وقتی داشت راجبِ قابِ عکس حرف میزد گفت ریختم دور ! شما

عکسای نامزدت که قرار باهاش ازدواج کنی رو میریزی دور ؟ یا جمع میکنی ؟!

کریس : جمع میکنیم ؟!

ثنین : هیچکدوم

نگاه کریس روی ثنین چرخید : هیچکدوم ؟ !

الپرن دستاش دو طرف باز کرد : درسته هچکدوم ! نگه میداری چون عاشقشی ، چون قرار بود یه زندگی تازه داشته باشین و از دست دادن اون سخته و هنوز برات باور نشده، شاید یک ماه دیگه زمانش برسه که شما کُل وسایلش جمع کنی؛ از طرفی وقتی رفتم اونجا عصبی نشد

ثنین : در حالی که اون پیرمرد عصبی شد !

کریس: بونگ جو خیلی راحت باهامون صحبت کرد و تا دم در بدرقمون کرد

ثنین : یعنی مطمئنی قاتلِ ؟

الپرن نیشخندی زد come on man :

قیافه ی حق به جانبی گرفت

الپرن : قاتل بودن از سر و شکلش میباره!

دستش دور گردن کریس انداخت : باید قیافه ی تخمیشو میدیدی که تلاش میکرد خودشو ناراحت نشون بده

کریس نیشخندی زد : من به حرفِ الپرن شک ندارم

و سعی کرد به مافوقش ، دیلان نگاه نکنه

ثنین هم به معنای تایید رفت سمت الپرن و کریس

رابرت : پس بیشتر حواستون بهش باشه

دیلان : اما کاپتان

رابرت دستش رو بالا برد تا حرفِ دیلان رو قطع کنه

هونگ هو : دیلان اون مطنون ، الپرن بهش مظنون شده و ما موظفیم تا وقتی که مطمئن نشد اون قاتل نیست و لش نکنیم

و با چشمای آرومش به دیلان خیره شد دیلان نگاهش روی چشمای مصمم رئیسش چرخوند

دیلان : چشم

صدای تیک باز شدن در کشویی سالن باعث شد همشون سمت رز برگردن  
رز پله های ورودی رو سریع پایین رفت : جمع شید یه چیزی دارم

ثنین : چی؟

رز لباش تر کرد : یه مقتول دیگه داریم

کریس با صورت جمع شده زمزمه کرد : چهارم؟

رز سرش تکون داد : دیشب توی ماشینش کشته شده!

ثنین متعجب زمزمه کرد : ماشینش؟ اما این قاتل که

رز حرفشو قطع کرد : درسته جای خلوت و پیاده میکشسته قربانیش رو اما اینم  
ماشین جا خلوت بوده

سمت مانیتور برگشت و با زدن دکمه روشن کنترل عکس روی صفحه بزرگ ال  
سی دی مشخص شد

رز : ولی روش قتل همونه! یکم با جزئیات بیشتر!

الپرن تکیش از میز گرفت و با لب های باز مونده و چشمای شوکه جلو رفت

الپرن : این که تیکه و پاره شده

رز سرش تکون داد و به الپرن خیره شد : اما باردار بوده و ۲۳ سالشه و اینکه  
اولین جاهایی که چاقو خورده شکم و قلبش بوده

الپرن دندوناشو روی هم فشار داد تا داد نکشه

الپرن : اون حرومزاده این دختر با حیوون اشتباه گرفته؟

پلکاش بخاطر تیک عصبی پرش پیدا کرده بود

چانیول : آدم حتی دلش نمیاد با یه حیوون اینکارو کنه

دخترِ توی عکس مثلِ گوشتای لاش شده توی قصابی یا سردخونه نگه داری از گوشت شده بود، رونِ پاهاش بخاطرِ فشارِ زیادِ چاقو پاره و استخون رونِ پاهاش به خوبی مشخص بود، گلوی بریده شده که خونش تمومِ لباسش و بدنش رو سرخ کرده بود

خط خوردگیای صورتش به خوبی مشخص بود چقدر طولانی و زجر آورد بودن، بریده شدنِ بالای دو سینه که به خوبی رگ ها و غده های داخل سینه رو نشون میدادن

الپرن : اون آشغال

برگشت تا سمتِ در بره اما کریس محکم بازوش رو گرفت

کریس : الپرن آروم ، تو مطمئن

الپرن سمتش برگشت و توی صورتش داد زد : مطمئنم خو عوضیشه جزاون حرومزاده کی میخواد باشه آخه ؟ !

بازوش رو محکم از بین دستای کریس بیرون کشید

الپرن : کی جز اون حرومی که بچه ی خودش رو هم کشته میتونه همچین بلایی سرِ یه زنِ دیگه بیاره ؟ !

رابرت سمتش رفت : باشه الپرن، اما باید آروم باشی تا مطمئن بشیم ، اون فعلا فقط یه مضمونه و ما مدرکی علیهش نداریم !

دستِ دیلان روی بازوش نشست : باید صبر کنیم تا

نگاه پر از خشم و نفرتش رو توی صورت دیلان چرخوند

الپرن : تو یکی به من دست نزن عوضی

و بدون توجه به صورتِ مهیبتِ دیلان بازوش رو کشید و از بینشون رد شد

به میز تکیه داد و دستش توی موهایش کشید

رز نفسی عمیق کشید : اما این همه چیز نیست..